



## رهبر کاروان اسیران کربلا

سیده فاطمه میر اسماعیلی

جوان و کودک، و مرد و زن سهیم بوده و هر کدام نقش به سزایی ایفا کرده‌اند. در این میان، نقش برخی از زنان به خصوص حضرت زینب علیها السلام بسیار حسّاس و مهم بوده است. زینب علیها السلام از همان ابتدای ورود به کربلا حضوری فعال و سازنده داشت، اما آنچه که به این حضور، جلوه دیگری می‌بخشد و آن را پُررنگ‌تر می‌سازد نقش ویژه آن حضرت بعد از واقعه عاشورا است که به همراه زنان دیگر در دو مرحله رهبری کاروان اسرا و تبلیغ دین و ترویج عاشورا به تصویر کشیده شده است.

از جمله حوادث خونبار و دردناک اجتماعی - سیاسی تاریخ اسلام، حادثه جانسوز کربلاست که از سویی نشان دهنده نقطه اوج روح و تعالی انسان است و از سوی دیگر نمایانگر فرود روح آدمی در پست‌ترین درکات. نهضت عاشورا یک نهضت ارزشی بر علیه ضد ارزشها بود که اگر به وقوع نمی‌پیوست، با طرحهایی که بنی‌امیه ریخته بودند، دیگر اثری از ارزشهای اسلامی و انسانی باقی نمی‌ماند

در این رویداد عظیم، همه‌گونه طبقات اجتماعی از آزاد و بنده، پیر و

### رهبری کاروان اُسرا

عصر عاشورا بعد از شهادت سید الشهداء علیه السلام دشمنان به سمت خیمه‌ها آمده و با قساوت تمام خیمه‌ها را آتش زدند. زینب کبری علیه السلام به دستور امام سجاد علیه السلام زنان و کودکان آواره را در خیمه نیم سوخته‌ای جمع کرد. عمر سعد دستور داد تا اسیران را راهی کوفه کنند. کارگزاران عمر سعد دست و پای اسیران، حتی کودکان را غل و زنجیر کردند و سرهای بریده شهدار را در جلوی کاروان قرار داده و به سمت کوفه حرکت دادند.

بعضی از اخبار حکایت از آن دارد که اسرای کربلا، در کوفه بیش از ۸۴ زن و بچه بودند که ۲۰ نفر زن قریشی و بقیه زنان اصحاب بودند. زنان اصحاب به شفاعت رؤسای قبیله خود که در کوفه بودند آزاد شدند و ابن زیاد از آنها گذشت، و اُسرای که به شام حرکت داده شدند فقط از بنی هاشم بودند.<sup>۱</sup>

طبق روایت حضرت سجاد علیه السلام در میان اُسرای که به شام برده شدند، ۱۲ مرد و بقیه خانمها و آقا زادگان و کنیزکان بودند، که اسامی بعضی از آنها

عبارتست از:

«امام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام، امام محمد باقر علیه السلام که چهار ساله بود، محمد بن حسین، عمر بن حسین، حسن بن حسن، زید بن حسن، عمر بن حسن، محمد بن عمر بن حسن. و حضرت زینب کبری علیه السلام، ام کلثوم علیه السلام، فاطمه، صفیه، رقیه و ام هانی که این شش نفر از فرزندان علی علیه السلام بودند. فاطمه و سکینه دختران سید الشهداء علیه السلام، رباب، قضاغه، مادر محسن بن حسن، دختر مسلم بن عقیل، فضه ثویبه، کنیز خاص امام حسین علیه السلام و مادر وهب بن عبد الله.<sup>۲</sup> حضرت صدیقه صغری، زینب کبری علیه السلام در طول حیات خود، خدمات ارزنده‌ای به دین اسلام نمود و همراه با خمسه طیبه در مسائل سیاسی - اجتماعی شرکت فعال داشت. خصوصاً در نهضت حسینی علیه السلام و پس از شهادت آن حضرت که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

۱. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، عباس و مهیار خلیلی، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ج ۳، ص ۳۰۲.  
 ۲. همان، ج ۴، ص ۳۳.

هدایت و رهبری کاروان اسرا، حفاظت و مراقبت از اسرا، دلداری دادن به شهید داده‌ها، حفاظت از جان امام سجاد علیه السلام، رساندن پیام شهدای کربلا به گوش جهانیان، دفاع از حیثیت اسلام در هنگام یاهو شرایبهای یزید و یارانش، ایجاد تحوّل و انقلاب در کوفه و شام و جاهای دیگر.

مرحوم ابراهیم آیتی در این باره می‌گوید:

«زینب علیها السلام بود که توانست به راستی در جریان اسیری، جای برادر خود را بگیرد و همان برنامه برادرش را، که با جمله زنده «یهات منا الذّلة» تا ساعت شهادت دنبال کرد، از عصر عاشورا تا ورود به مدینه به کار برسد و حق تربیتهای مادر خود، فاطمه زهرا علیها السلام را ادا نماید.»<sup>۱</sup>

#### هدایت مدبرانه

امام حسین علیه السلام در هنگام شهادت یا به دلیل اینکه امام سجاد علیه السلام به بیماری شدیدی مبتلا بودند یا به دلایل دیگر، سیاستش بر این شد تا وصیتهایی به حضرت زینب علیها السلام نموده و سنگینی بار امانت را مدّتی به او واگذار نماید.

عملکرد زینب علیها السلام به خاطر امتیازاتی از قبیل: وقت شناسی، عقل و تدبیر، فصاحت و بلاغت، شجاعت و شهامت و... تأثیر بسزایی داشت، و تحوّلات عظیمی به وجود آورد.

از جمله کارهای مدبرانه و توأم با سیاست و کیاست زینب علیها السلام این بود که، شخصی را فرستاد تا از یزید - لعنة الله علیه - بخواهد اجازه عزاداری و ماتم به آنها بدهد. و این عزاداری اسرا بود که توانست کاخ سلطنت یزید را متزلزل سازد.

سرانجام در شام مجلس عزاداری منعقد شد. زینب علیها السلام و دیگران در آن به نوحه شرایبی و گریه و زاری پرداختند. در مدّت یک هفته‌ای که در محله‌ای به نام «دار الحجاره» اقامت داشتند، آنچنان عزاداری کردند که یزید، تاج و تخت خود را در خطر دید. مردم شام که در هنگام عزاداری اجتماع می‌کردند تصمیم گرفتند به خانه یزید هجوم برده و او را بکشند، ولی یزید فهمید و مقدمات بازگشت اهل بیت علیهم السلام

۱. محمد ابراهیم آیتی، کتابخانه صدوق، بی جا، بی تا، همان، ص ۱۶۰.

**عملکرد زینب علیها السلام به خاطر  
امتیازاتی از قبیل:  
وقت‌شناسی، عقل و تدبیر،  
فصاحت و بلاغت، شجاعت  
و شهامت و... تأثیر بسزایی  
داشت، و تحولات عظیمی  
به وجود آورد**

زینب علیها السلام محافظت از اسرا بود.  
زینب علیها السلام در این باره سعی و تلاش  
فراوانی نمود و لحظه‌ای کوتاهی نکرد  
و به همین دلیل ملقب به لقب «امینه»  
الله<sup>۴</sup> بود، چراکه آنها امانتهایی بودند  
که به آن حضرت سپرده شده بود و او

۱. زینب کبری، عقیده بنی هاشم، حسن الهی،  
تهران، مؤسسه فرهنگی آفرینه، چاپ اول، بهار  
۱۳۷۵، ص ۱۷۰.

۲. خصائص الزینبیه، نور الدین جزایری، ناصر  
باقری، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ دوم،  
۱۳۷۹، ص ۲۱۰. «إِجْعَلُوهَا سَوْدَاءَ حَتَّى يَغْلَمَ النَّاسُ،  
أَنَا فِي مَصِيبَةٍ وَعِزَاءٍ لِقَتْلِ أَوْلَادِ الزُّهْرَاءِ علیهم السلام».

۳. الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۲۰۲.

۴. خصائص الزینبیه، همان، ص ۷۷.

را به مدینه فراهم ساخت.<sup>۱</sup>  
یکی دیگر از اقدامات حضرت  
زینب علیها السلام این بود که دستور داد:  
«مَحْمِلَهَا رَا سِيَاهَ پُوش کنيد تا مردم بدانند که  
مادر حال مصیبت و عزادار قتل فرزندان زهرا  
هستیم.»<sup>۲</sup>

شاید این کار از نظر دشمنان بی  
اهمیت جلوه می‌کرد، و یقیناً هم همینطور  
بود، چون اگر از اول احساس خطر  
می‌کردند جلوگیری می‌نمودند، اما همین  
کار در واقع زمینه ساز قیام و انقلاب مردم،  
علیه قاتلان امام حسین علیه السلام و تحقق  
بخشی از اهداف عالی سید الشهداء علیهم السلام  
بود. تا آنجا که وقتی یزید ملعون شنید  
مردم بر قاتلان حسین علیه السلام نفرین  
می‌کنند، با شمر و همراهانش با  
خشونت برخورد کرد و گفت: «وَاللَّهِ قَدْ  
كُنْتُ أَرْضَى مِنْ طَاعَتِكُمْ بِدُونِ قَتْلِ الْحُسَيْنِ  
لَعَنَ اللَّهُ بَنَ مَرْجَانَةَ! سوگند به خدا! که از  
اطاعت شما بدون قتل حسین علیه السلام  
راضی بودم. لعنت بر پسر مرجانه [که  
به چنین امر شنیع اقدام کرد.]»<sup>۳</sup> آن‌گاه  
اسباب سفر اسرا به مدینه را مهیا نمود.

### حفاظت از اسرا

از مسئولیتهای بسیار مهم و خطیر

می‌بایست به نیابت از امام حسین علیه السلام این امانتها را صحیح و سالم به وطن برساند.

همه اطفال و زنان هنگامی که نیاز به کمک پیدا می‌کردند، به زینب علیها السلام پناه می‌بردند و هرکدام که با خشونت و ضرب و شتم دشمنان مواجه می‌شدند، زینب علیها السلام حمایتشان می‌کرد.

روایت است که وقتی یزید از کرده خود پشیمان شد و از امام سجاد علیه السلام خواست تا هر حاجتی که دارد بازگو نماید تا او آنها را برآورده کند، امام علیه السلام فرمود: «در هر باب با زینب علیها السلام سخن می‌گویم، چه او پرستار یتیمان و غمگسار اسیران است.»<sup>۱</sup>

نمونه دیگر، حفاظت و حمایت از «فاطمه دخترتر امام حسین علیه السلام» در مجلس یزید ملعون است. هنگامی که یزید اجازه داد اسرای اهل بیت علیهم السلام را وارد مجلس کنند، مردی از شامیان نظرش به فاطمه دختر امام حسین علیه السلام افتاد. رو به یزید کرد و گفت: این کنیزک را به من ببخش. فاطمه رو به زینب کبری علیها السلام (که پناه اسیران بود) آورد و گفت: «ای عمّه! یتیمی مرا بس

نبود که به خدمتگزاری در من طمع دارند.» زینب کبری علیها السلام به او تسلی داده فرمود: «عمّه جان! آرام باش، کسی جرات ندارد چنین کاری کند.» آن‌گاه با کمال شهامت رو به مرد شامی کرد و فرمود: «ای بی حیا! ساکت باش، خداوند مقدر نکرده که خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را به کنیزی به کسی ببخشند، نه تو و نه امیرت یزید، قادر نیستید چنین کاری بکنید.»

یزید عصبانی شد و گفت: «می‌توانم همه را ببخشم.» زینب علیها السلام فرمود: «به خدا قسم! نمی‌توانی، مگر آنکه از دین اسلام و از ملت محمد صلی الله علیه و آله خارج شوی و به دین و آئین دیگری در آیی.»

یزید - لعنة الله علیه - گفت: «پدر و برادرت از دین خارج شدند.» زینب علیها السلام فرمود: «ای یزید! تو به دین پدر و برادرم هدایت شدی، جدّت به دست آنها اسلام آورد و آزاد شد. تو آزاد شده پدرم هستی!»

یزید گفت: «دروغ می‌گویی.»

ملحق می‌کنم.» آن‌گاه دستور داد گردن او را بزنند.<sup>۲</sup>

### دل‌داری به شهید داده‌ها

زینب علیها السلام به همراه سایر بازماندگان اهل بیت علیهم السلام در قتلگاه مرثیه سُرای و سوگواری عجیبی کردند. و این به خاطر عاطفه و علاقهٔ شدیدی بود که نسبت به برادرش امام حسین علیه السلام داشت. حتی ناله و گریه او به حدی بود که دشمن هم با دیدن آن صحنه به گریه افتاد. اما در عین حال زینب علیها السلام به منظور ادای رسالت اصلی خویش که نگاهی از کودکان یتیم و رساندن پیام خون شهدا بود، هرگز روحیهٔ مقاومت خویش را از دست نداد، و رسالت خود را به نحو شایسته‌ای ادامه داد، و به زنان نیز امر کرد که صبر و تحمل کنند و بیش از حد، گریه و زاری نکنند و زبان به ناسپاسی نکشایند؛ چرا که این مسئله

زینب علیها السلام فرمود: «ما دروغ نمی‌گوییم، اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله هنوز هستند و فتح مکه را در نظر دارند که ابو سفیان جدّ تو اسیر شده بود و جدّم او را آزاد کرد. تو ای یزید! امیر ظالم و بی‌حیایی هستی.»

در این هنگام یزید ساکت شد. مرد شامی دوباره از او پرسید: «آیا این کنیزک را به من می‌بخشی؟» در این هنگام یزید خشمگین شد و گفت: «برو خدا تو را بکشد!»<sup>۱</sup>

در روایت دیگر است: هنگامی که مرد شامی سخنان زینب علیها السلام را شنید از یزید پرسید: «مگر این کنیزک کیست؟» یزید گفت: «فاطمه دختر حسین است و آن یکی زینب دختر علی بن ابیطالب می‌باشد.» مرد شامی پرسید: «حسین فرزند دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله؛ فاطمه زهرا علیها السلام؟» یزید گفت: «آری!» مرد شامی گفت: «ای یزید! لعنت حق بر تو باد؛ عترت پیغمبر صلی الله علیه و آله را به قتل می‌زسانی و آنان را اسیر می‌نمایی؟! به خدا سوگند که هیچ خیالی دربارهٔ اینان نکردم جز آنکه آنان را اسیران روم پنداشتم.» یزید گفت: «تو را نیز به آنان

۱. مقتل الحسین، المقرّم، بیروت، دار الکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۹ ه. ق، ص ۳۵۶ و ۳۵۷.

۲. لُهو، سید بن طاووس، محمّد طاهر دزفولی، قم، انصاری، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱.

و برادرانم! چرا با جان خود بازی می‌کنی و می‌خواهی جان خود را از دست بدهی؟» گفتم: چگونه با جان خود بازی نکنم و خود را از دست ندهم، در حالی که مشاهده می‌کنم مولایم، برادرانم، عموهایم، پسر عموهایم، و همه اعضای خانواده‌ام! در این بیابان به خاک و خون آغشته‌اند و بدنهای آنها برهنه و عریان روی زمین افتاده است و کسی آنها را کفن نمی‌کند و به فکر دفن آنها نیست.<sup>۲</sup>

نکته مهمی که در این قسمت قابل توجه است این است که، زینب کبری علیها السلام در انجام رسالت خویش، احساسات و عواطفی را که مخصوص زنان است، به کلی کنار گذاشته و همچون مردان صبور، انجام وظیفه نمود. زینبی که با شنیدن اشعار برادر<sup>۳</sup>

جزو توصیه‌های برادرش امام حسین علیه السلام بود که در شب عاشورا فرموده بود: «یا اُخْتَاهُ، إِذَا قَتَلْتُ فَلَا تُشَقِّقَنَّ عَلَيَّ جَبِيًّا وَلَا تُخَمِّسَنَّ وَجْهًا وَلَا تُقَلِّنَنَّ هَجْرًا؛ خواهرم! پس از من پیراهن چاک مکنید و چهره مخراشید و زبان به شکوه و ناسپاسی نگشایید.»<sup>۱</sup>

نمونه بارز دلداری دادن زینب کبری علیها السلام به خانواده شهدا، دلداری او به امام سجاد علیه السلام است، که خود امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید: هنگام عبور از قتلگاه، وقتی پیکر چاک چاک و غرقه در خون برادر و عموها و پدر خود را دیدم که چگونه بی سر افتاده و زیر سُم اسبان پامال شده‌اند، بسیار منقلب شدم و بغض گلویم را گرفت به حدی که نزدیک بود جان خود را از دست بدهم. اما وقتی عمه‌ام زینب علیها السلام متوجه حال من شد، فرمود:

«مَالِي أَرَاكَ تَجُودُ بِنَفْسِكَ يَا بَقِيَّةَ جَدِّي وَأَبِي وَإِخْوَتِي؟ فَقُلْتُ: وَكَيْفَ لَا أَجْدَعُ وَأَهْلَعُ وَقَدْ أَرَى سَيِّدِي وَإِخْوَتِي وَعُمُومَتِي وَوَلَدَ عَمِّي وَأَهْلِي مُضَرَّجِينَ بَدِمَائِهِمْ مُرْمَلِينَ بِالْعَرَاءِ مُسَلَّيْنِ لَا يُكْفَنُونَ وَلَا يُوَارُونَ، وَلَا يُعْرَجُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ؛ ای یادگار جد و پدر

۱. مقتل الحسين، المقدم، همان، ص ۲۱۸.

۲. همان، ص ۳۰۸.

۳. همان، ص ۲۱۷.

«بَا ذَهْرًا أَفْ لَكَ مِنْ خَلِيلِ

كَمْ لَكَ بِالْإِسْرَاقِ وَالْأَصِيلِ

مِنْ صَاحِبِ أَوْ طَالِبِ قَبِيلِ

وَالذَّهْرُ لَا يَفْتَنُ بِالْبَدِيلِ

وَأَنْسَا السَّائِرَ إِلَى الْجَبِيلِ

وَكُلُّ خَمٍّ سَالِكُ السَّبِيلِ»

در شب عاشورا بسیهوش می شود، هنگام دیدن پیکر بی سر برادرش، نه تنها عکس العمل غیر عادی نشان نمی دهد، بلکه امام سجاد علیه السلام را هم تسلیت می دهد. اینجاست که می توان به قدرت و قوت ایمان و علو مرتبه و مقام زینب علیها السلام پی بُرد.

### حمایت از ولایت

یکی دیگر از خدمات ارزنده زینب کبری علیها السلام که از مهمترین خدمات او محسوب می شود حمایت و محافظت از جان امام سجاد علیه السلام بود. در روز عاشورا، همه مردان اهلیت علیهم السلام و یاران امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند بجز حضرت سجاد علیه السلام که به خاطر بیماری و ضعف شدیدی که به مشیت الهی بر او عارض شده بود تا وارد میدان جنگ نشود و کشته نگردد، کس دیگری از مردان زنده نماند. و زینب کبری علیها السلام به خوبی می دانست که بعد از سید الشهداء علیه السلام امام سجاد علیه السلام است که وظیفه امامت امت و بار سنگین ولایت بر دوش اوست، پس باید زنده بماند تا زمین از حجت خدا خالی نماند. از این رو

آنحضرت مسئولیت بزرگی را روی دوش خود احساس می کرد و آن حفظ جان امام سجاد علیه السلام بود.

زینب کبری علیها السلام در چند جا توانست جان امام سجاد علیه السلام را از خطر مرگ نجات دهد.

اول: زمانی که لشکر عمر سعد به خیمه ها حمله کردند، شمر خواست که امام سجاد علیه السلام را به قتل برساند، اما زینب علیها السلام با شهامت هر چه تمام تر فرمود: «به خدا قسم! نمی گذارم او را بکشید، مگر اینکه اول مرا بکشید!»<sup>۱</sup> و با این کار از کشته شدن امام سجاد علیه السلام جلوگیری کرد.

دوم: هنگام عبور اسرا به طرف قتلگاه که قبلاً ذکر شد.

سوم: در کاخ ابن زیاد، هنگامی که اسرا وارد مجلس شدند، ابن زیاد متوجه امام سجاد علیه السلام شد و دستور داد گردن آن حضرت را بزنند. اینجا هم زینب علیها السلام مانع شده و امام را در بغل گرفت و فرمود: «یا بن زیاد! حَسْبُكَ مَنْأ،

۱. نفس المهموم و نفثة المصدور، شیخ عباس قمی، کمره ای، تهران، کتابچی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳، ص ۱۷۶.



**زینب علیها السلام به منظور ادای رسالت اصلی خویش که نگرهبانی از کودکان یتیم و رساندن پیام خون شهید ابود، هرگز روحیه مقاومت خویش را از دست نداد، و رسالت خود را به نحو شایسته‌ای ادامه داد**

خوش دارد او را نیز با وی بگشتم، وی را رها کنید تا همراه زنان و همراهان خود باشد.<sup>۲</sup> و بدین ترتیب امام سجاد علیه السلام از خطر مرگ نجات یافت. آری! این زینب شجاع است که با شجاعت و شهامتی وصف‌ناپذیر، همواره چون کوه استوار مانده و در زیر بار مصائب و سختیها کمر خم نکرده بلکه با صبر و تحمل خویش همه را به تعجب واداشته و پیامی والا برای همه زنان در طول تاریخ ارسال نموده است.

پیام او به بانوان، دعوت آنان به شناخت و انجام رسالت سیاسی - اجتماعی خویش و پشتیبانی از مبارزه شهیدان، تلاش اجتماعی همراه با عفاف و پاکدامنی، شهید پروری و تربیت نسلی شهادت طلب، تبلیغ و تبیین مرام و اهداف شهیدان و صبر بر شهادت عزیزان است. و این درسها و پیامها برای همیشه در تاریخ جاودانه خواهد ماند.

أَمَا زَوَّيْتُ مِنْ دِمَائِنَا وَ هَلَا أَبْقَيْتَ مِنَّا أَحَدًا  
أَسْأَلُكَ بِاللَّهِ إِنْ كُنْتَ مُؤْمِنًا إِنْ قَتَلْتَهُ لِمَا تَقْتُلُنِي  
مَعَهُ،<sup>۱</sup> ای ابن زیاد! از ما دست بردار، مگر از خونهای ما سیر نشده‌ای؟ مگر کسی از ما به جای گذاشته‌ای؟ تو را به خدا اگر ایمان داری، اگر او را می‌کشی مرا نیز با وی بگش!

راوی که حمید بن مسلم بود می‌گوید: ابن زیاد مدتی به حضرت زینب علیها السلام و امام سجاد علیه السلام نگریست، آن‌گاه به اطرافیان خود گفت: «شگفتا از این خویشاوندی، به خدا می‌دانم که

۱. تاریخ طبری، ج ۷، کتاب روشی امامیه، ۱۸۷۹ م، ص ۳۵۰.  
۲. همان.

# فاطمه علیها السلام در سوگ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم



جواد خرمی

جا بلند شود. همچنین رابطه زهرا علیها السلام با پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فقط یک رابطه معمولی مریدی و مرادی نیست و گرنه «ام ابیها» خوانده نمی شد و بارها پدرش نمی فرمود: «فَدَاهَا أَبُوهَا».

رفتار و برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با فاطمه زهرا علیها السلام نشان می دهد که هم عاطفه دختر و پدری آن دو در حدی بسیار بالا و فوق العاده بوده و هم پیرو و پیشوایی آن دو برتر از آن بوده که دیگران تصور می کنند. آنچنان محبتی

زهجر روی پدر اشک از بصر می ریخت نه اشک از بصر او لخته جگر می ریخت گهی به خانه گهی در بقیع و گه به احد گلاب اشک ز داغ غم پدر می ریخت گهی ز داغ پدر ناله و فغان می کرد گهی ز دیده سرشک از غم پسر می ریخت<sup>۱</sup> رابطه فاطمه زهرا علیها السلام با پدر بزرگوارش، خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله و سلم تنها یک رابطه دختر و پدری معمولی آن هم در سطح عاطفی نبود و گرنه قاعدتاً باید فقط دختر دست پدر را ببوسد و پیش پای او بلند شود، نه اینکه پدر دست دختر را ببوسد و به احترام او از

۱. اصول مداحی، ناصری نژاد، ج ۲، ص ۴۷.